



بدستور مقام رهبری،
"سوپاپ سبز"
در آب نمک خوابانده شد!

"یکی از احکام جمهوری اسلامی و اسلام این است که هر کس در برابر این نظام عادل اسلامی بایستد باید کشته شود و زخمی آنان باید زخمی تر شوند تا بمیرند. - "میر حسین موسوی (کیهان ۲۹ شهریور ۱۳۶۰)

شوربختانه ۳۲ سال از عمر رژیم استبداد مذهبی و حاکمیت خون و خشونت در ایران که بیگانگان در سال ۱۳۵۷ بر اساس طرح "کمان بحران برژینسکی" یا در اصل طرح برنارد لوئیس، برای نابودی ایران بر سر کار آورده شده است میگذرد. از آن زمان رژیم اسلامی دست نشانده بیگانگان خیانت و جنایتی نبوده است که بر سر ایران و ایرانی نیاورده باشد؛ از اعدام و شکنجه و تبعیض و زور و ستمگری گرفته تا سانسور و اختناق و کشتن آزادیهای فردی و اجتماعی. ولی ملت ایران پس از ۳۲ سال تجربه زندگی در زیر سایه استبداد مذهبی و آگاهی کامل بر ذات این رژیم شوم، که بر پایه های دروغ و خون و خشونت بنا شده است، هنوز در زودباوری و خام اندیشی فریب تعزیه ها و تناثرهای روحوضی رژیم را خورده و ندانسته خود را در مسیرهایی قرار داده اند که از پیش برایشان طراحی، فراهم و راهبری شده اند. از آنرو، به صراحت میتوان گفت که ملت ایران تنها ملت در جهان است که از تاریخ و تجارب گذشته خود درس نمیگیرد و همچنان نه یک یا دو بار، بلکه صدها و هزاران بار همان اشتباه را سلسله وار تکرار میکند و نمیتواند از تکرار اشتباهاتش جلوگیری کند. یکی از این اشتباهات، عدم نگرش به کارنامه و گذشته خونین سیاستمداران و اعتماد و اطمینان به وعده های های سرخرمن مهره های رژیم و فریب سناریوهایی زرگری است که این عده برایشان نوشته و به اجرا در میاورند.

یکسال و نیم پیش در نوشتاری تحت عنوان "[آقای موسوی دم خروس را باور کنیم یا قسم ...؟](#)"^[1] به شناساندن ماهیت راستین السید میرحسین موسوی پرداختم و پیش خود پنداشته و امیدوار بودم که ملت ایران بزودی به ماهیت پلید و نقش او در سیرک سیاسی که جمهوری اسلامی نام دارد پی خواهد برد. ولی یکسال و نیم گذشت و رژیم در یک جنگ زرگری مرگباری که اکنون آن را "جنبش سبز" می خواند (بخوانید "تحقیق سبز")، و توسط اتاق های فکر رژیم طراحی و به اجرا گذاشته می شود، مردم ایران را به تماشای تئاتر مرگبار دیگری برای بقای خود، جلب و جذب نموده است.

در چند روز گذشته و در دنباله جریان دعوت دو مهره رژیم السید میرحسین الموسوی و مهدی کروی از مردم برای شرکت در راهپیمایی ها در پشتیبانی از "انقلاب عربی" در تونس و مصر (که توسط غربیان برنامه ریزی شده است) موجب باصلاح "بازداشت خانگی" آنان شده است. ولی این باصلاح بازداشت خانگی دسیسه و برنامه دیگری برای فریب و تحمیق بخش بزرگی از ملت ایرانکه همواره می پندارند می توانند دریا را با یک قاشق ماست تبدیل به دوغ سازند (بویژه جوانان پرشور و آزادیخواه کشورمان که نیروی تشخیص و تمیز دادن ایرانفروش از ایراندوست را ندارند)، طراحی و در حال پیاده شدن است.



رژیم نوقاجاری روضه خوانان در یک طرح زیر کانه به یاری دو مهره سرسپرده و فدایی خود (بویژه موسوی که که اصالتاً غیرایرانی لبنانی تبار و از خویشاوندان السید علی خامنه ای است)، و اعلام اینکه این دو تن را از حضور بهمرساندن در تظاهرات در پشتیبانی از یک حرکت عربی (که نه به ایران و ایرانیان ربط دارد) ممنوع شده اند، جوانان ایرانی را به خیابانها کشانده اند، تا از بدینوسیله گل های سرسبد ملت را شناسایی و با قلع و قمع ساختنشان خطر را از سر نظام پلید خود برای چند صباحی دیگر دور سازد.

رژیم برای داغ کردن و طبیعی جلوه دادن این تعزیه و سیرک سیاسی تازه خود، نخست شماری اراذل و اوباش وابسته به رژیم که نمایندگان مجلس شورای اسلامی خوانده میشوند را بحرکت درآورده است. این عده برای داغ تر کردن موضوع، با بخشیدن لقب "سران فتنه" خواستار اعدام ایندو نفر شده اند که واکنش آن، برانگیختن خشم مردم زودبارمان و حتا بیگانگان را بدنبال داشته است. ولی، این نگارنده اطمینان میدهد که ایندو نه تنها اعدام نخواهند شد، بلکه مویی از سر پلیدشان هم کم نخواهد شد و اگر هم که این باصطلاح بازداشت خانگی ادامه پیدا کند، در پشت صحنه به زندگی عادی، تجملاتی و اهرمنی خود همچون ۳۲ سال گذشته ادامه داده و به ریش سادگی آندسته از ملت که تحت تاثیر نقش بازی کردن هایشان قرار گرفته و خام شده اند خواهند خندید. بویژه آنکه تاریخ ۳۲ ساله خونین جمهوری اسلامی نشان داده است که رژیم همه مخالفان خود را بدون درنگی اعدام یا ترور میکند، اکنون چگونه می شود که این دو باصطلاح "سران فتنه" که برای رژیم خطر ساز شده اند، جان سالم بدر برده و به زندگی ادامه دهند؛ - آنهم زمانی که رژیم جمهوری اسلامی نشان داده است که نه برای جامعه و افکار جهانی ارزشی قائل است و نه از مردم ایران ترس و واهمه ای دارد که از کشتن این سه نفر خودداری کند. بویژه آنکه رژیم بخوبی میداند هر بلایی که میبش کشد میتواند بر سر ملت ایران آورد و شوربختانه ملت ما هم در سکوت و خاموشی هر تحقیر و خواری که بر سرشان آید را به جان خواهند خرید (البته، این سکوت هم دوامی نخواهد داشت و روزی خواهد آمد که با شکم های گرسنه کاسه های صبرشان لبریز و رژیم را به زیر خواهند کشاند).

بهر روی، رژیم از امروز با افزایش کوییدن بر طبل توخالی خود در امر خام سازی ملت ایران، به ایرانیان می قبولاند که این سه نفر بویژه موسوی "رهبران آزادی" ایران می باشند، تا برای آینده و روزی که رژیم در خطر واژگونی قرار می گیرد را در آب نمک خوابانده شوند - و شوربختانه، باری دیگر ملت ایران فریب نیرنگهای دستاربندان و السیدهای هزار خوش خط و خال را خورده و ندانسته به بقای رژیم و نابودی خویش و ایران یاری خواهند رساند.

در این میان، به باور این نگارنده بدور دیده نمیشود که رژیم بر اساس استراتژی "مخالفت کنترل شده" یک سری افراد دستچین و مهندسی شده خود را تحت نام "هوادر جنبش سبز" و اپوزیسیون و مبارز به خارج از کشور صادر کند (اگر تاکنون صادر نشده باشند)، تا با رخنه و حضور در رسانه های بیگانه همچون بی بی سی فارسی (معرف به "آیت الله بی بی سی" و نیز "صدا و سیما شاخه لندن") و صدای آمریکا و امثالهم در زیر پوشش مبارزه با رژیم با ایجاد اختلاف در صفوف مخالفین رژیم که خواهان سرنگونی آن میباشند (بویژه هواداران پادشاهی مشروطه/پارلمانی که هر سال که میگذرد خطر آن برای رژیم مشهودتر می شود)، تا به بقای رژیم یاری رسانند! این عده بدون هیچ گمانی تلاش خواهند کرد تا نه تنها هر گونه فعالیت که به سرنگونی رژیم میسرانجامد را خنثی سازند، بلکه "اصلاحسازی" را بجای "ریشه کن سازی" رژیم در اذهان عمومی پرورش دهند. نیز چون این مهره های مهندسی شده و صادراتی، در درون رژیم زاده و تربیت شده اند، سرشت و نهاد خود را به آسانی نمی توانند تغییر داده یا پنهان سازند. بنابراین، غریزی نه تنها مذهبی می باشند، بلکه دارای اندیشه های شدید ضدناسیونالیسم (ملی گرایی) ایرانستیز و بویژه ضد "تمدن باستانی ایران" می باشند، بزرگترین موهبت برای ما و بهترین راه برای شناسایی این مهرها و مزدوران رژیم است.

در پایان بایستی افزود، چه در روزی که تاریخ انقضای رژیم بسر آید و آمریکایی ها بهمراه انگلیسی ها تصمیم گیرند تا این رژیم دست نشانده خود را با یک رژیم "جمهوری" دیگری، در قالبی غیرمذهبی ولی همچنان وابسته بخود را تغییر دهند تا در راستای منافعشان در منطقه انجام وظیفه کند؛ - و چه رژیم در نتیجه یک خیزش سراسری و ملی سرنگون شود و ملت ایران تصمیم بر آن گیرد تا یک نظام ملی و ایرانی را جایگزین آن سازند، در چنان زمانی چون مصالح و منافع آنان را در منطقه بخطر خواهد افتاد، از مهره هایی همچون موسوی بهره وری خواهند کرد تا در راستای سیاست کهنه "پروژه رهبر تراشی" آنان او و امثالهم را در هیبت رهبران آزادی ارائه داده و با ربودن خیزش، آن را به بیراهه کشانند.

پایان سخن

براساس مثل انگلیسی که "پلنگ نمی تواند خال هایش را تغییر دهد" یا بگفته سعدی شیراز "ذات بد نیکو نگرده، زانکه بنیادش بد است - تربیت، نااهل را، چون گردکان بر گنبد است."، نیز کسانی که با رژیم از روز نخست همکاری داشته و دستانشان به خون ایرانی آغشته شده است، بویژه السیدمیر حسین الموسوی که در یکشب ۳ هزار نوجوان و جوان را بخاطر عقاید سیاسی اشان به دار کشاند و در گفتگو در تلویزیون اتریش از دستور قتل عامش دفاع نموده و گفت: "این توطئه ای علیه انقلاب بود که ما می بایستی آن را در هم می شکستیم" ... "ما در این مورد هیچ گذشتی با ضد انقلابیون نداریم" [2]. نمی توانند سرشت و نهاد خونخوارانه و ایرانفروشانه خود را پنهان سازند.

ولی شوربختانه، با دلی آکنده از سوز و گداز بایستی گفت، ملت ایران با آنکه یکی از باهوشترین ملت های جهان بشمار میرود، ولی شوربختانه به همان اندازه بخاطر عدم "خرد" [3]، همواره فریب دسیسه های گوناگون را خورده و هر چند سال و دهه ای از چاهی برون آمده و به چاهی دیگری فرو می افتند. گویا که جورج سانتانا یا فیلسوف اسپانیایی این گفته که "ملتی که از گذشته خود نمیاموزد، محکوم به تکرار آن میباشد" را در مورد ما ایرانیان ساخته بوده است.

شاپور سورنپهلو

۲۸ بهمن ماه ۱۳۸۹

۱۷ فوریه ۲۰۱۱

پی نوشت

1 - سورنپهلو، شاپور، "آقای موسوی دم خروس را باور کنیم یا قسم ... ؟"

2 -

<http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iran/7811996/Mir-Hosseini-Mousavi-involved-in-massacre-says-report.html>

3 - "اندیشیدن" (عقلاندیشه)، نیروی تجربی و اکتسابی، همانند چراغیست که با پرتو افکندن بر روی واقعیتهای، حقایق را آشکار میسازد تا در شناسایی و تمیز دادن میان خوب و بد به یک شخص یاری رسانده، تا او بتواند گزینش و تصمیم عاقلانه ای را کسب کند؛ - و خرد، درکی از واقعیت هایی است، که عقل در پیش آنان را روشن ساخته و به یک شخص یاری می رساند تا به یک آگاهی که راهنمای آن اخلاقیات والا و نیک می باشند، دست یابد. در این باره، این نگارنده در نوشتاری با سرعنوان "چرا ما ایرانیان در گزینش کشورمداران، همواره کسانی که لیاقت کشورمداری ندارند را بر می گزینیم؟" توضیح بیشتری داده ام.

موسوی و کروی، دو "سوپاپ سبز" رژیم دستاربندان در آب نمک خوابانده شدند!

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۸۹ ساعت ۲۲:۳۷

#419ab3

□